

با سلام و عرض ادب محضر استاد گران قدر جناب آقای شهبازی عزیز و همراهان همیشگی گنج حضور.

رسیدن به گنج حضور (صرفاً) به خاطر این نیست که ما دردهایمان را شفا دهیم، یا روابط بغرنجان را با دیگران اصلاح نماییم، هیجانات منفیمان را کنترل کنیم، از غصه‌ها و هم‌هویت‌شدگی‌ها و شرطی‌شدگی‌های گذشته و یا از تقلید نجات پیدا کنیم. بلکه باید به این نکته‌ی اساسی و بسیار مهم توجه کنیم که قضا و کن‌فیکون الهی تمام این معطلات و مشکلات را جلوی پای ما گذاشته که به مطلب بسیار مهم‌تری پی ببریم، و آن زنده شدن به خدائیت خودمان است. زنده شدن به اصل گم‌شده و فراموش‌شده‌ی خودمان.

خداوند در قرآن می‌فرماید: من از رگ گردن به شما نزدیک‌ترم، و باز می‌فرماید: از نفخه و روح خودم در جسم شما دمیدم، هم‌چنین می‌فرماید در زمین و آسمان‌ها جا نمی‌شوم ولی در دل انسان به حضور رسیده و مویم جا می‌شوم. دیگر خداوند چگونه واضح‌تر از این مطلب بگوید که ما و او یک هشیاری هستیم، ما امتداد او و خدائیت هستیم. هر چند در صورت بیدار شدن از خواب ذهن و زنده شدن به خدائیت خویش، می‌توانیم از تمام نعمات دنیوی، به اندازه و با کیفیت بهتر و به دور از افراط و تفریط استفاده نماییم. ولی غرض از خلقت ما هدف عالی‌تری است و آن زنده شدن به حضور است. اگر به این مهم که (هدف از خلقت بشر زنده شدن حضور است) برسیم، آن خواسته‌های پیش پا افتاده‌ی مادی و دنیوی مثل داشتن پول، خانه ماشین، موفقیت‌های روزمره و غیره را هم خواهیم داشت، ولی آن‌ها اولویت نیستند.

و لذا ما باید هیچ‌گاه مرتکب این اشتباه فاحش نشویم، که غرض از تبدیل و زنده شدن به گنج حضور این باشد که دردهایمان را درمان کنیم، یا به خواسته‌های دنیوی خود برسیم. و لذا ما برای تحقق هدف متعالی و برتر خلق و به زمین فرستاده شده‌ایم، که همان شناختن اصل گم‌شده‌ی خود، و زنده شدن به خدائیت خود است. کسی که به خدائیت خود زنده شود، دیگر مشکل لاینحلی برایش نمی‌ماند.

پس ما باید تلاش کنیم و با تعهد و پشتکار روی خودمان کار کنیم و در برابر اراده و مشیت الهی که در لباس اتفاق این لحظه جلوی پایمان گذاشته می‌شود تسلیم باشیم و با رضا و عمل به قانون جبران سعی کنیم به خدا و اصل خود زنده شده تا از نعمت عشق، شادی بی‌سبب، امنیت، خرد کل و هزاران نعمت دیگر زندگی برخوردار شویم. پس قدر این عمر کوتاه را بدانیم و از زرق و برق دنیا پرهیز کنیم. سعی نکنیم با اعمال و افکار من‌دار از همه جلو بزنیم و در بعد مادی و جسمی همیشه رتبه‌ی اول کسب کنیم. گدای تابیید و توجه دیگران نباشیم. سعی نکنیم با واکنش، دیگران را سر جای خودشان بنشانیم. تا زبان حق نگشتیم از نصیحت و اصلاح دیگران خودداری کنیم. از ستیزه و مقاومت و قضاوت جداً خودداری کنیم. یادمان باشد، هر چالشی قضا و کن‌فیکون الهی برایمان پیش می‌آورد، به خاطر این است که ما فضاگشایی کنیم و فضاگشایی را یاد بگیریم. دوستان عزیز، قدر و ارزش فضاگشایی را خوب بدانیم، که در مقابل من‌های ذهنی دیگران و من‌ذهنی خودمان بهترین سلاح فضا گشاییست.

این تن خاکی و عاریتی یک روزی مایموریتش تمام می‌شود. اگر در طول حیات چند روزه‌ی دنیا به مایموریت (موت قبل الموت) عمل نکنیم، از زیانکاران خواهیم بود و روز مرگ جسمی متوجه می‌شویم چه کلاه گشادی سرمان رفته است. نه ثروت مانده، نه شهرت مانده، نه زن و فرزند می‌توانند به ما در آن روز کمکی بکنند، نه جوانی، نه زور و قدرت، نه آبروی مصنوعی و تقلبی من‌ذهنی به درمان می‌خورد، نه تعریف و تمجید دیگران گره‌ای از کارمان وا می‌کند، نه زیبایی و خوشگلی ظاهری و نه هیچ‌چیز فانی این دنیا برایمان نمی‌ماند، جز حضور، جز زنده شدن به خدا در این چند روزه‌ی عمر دنیوی.

کسی که عمر گران‌مایه‌ی خود را فقط صرف به‌دست آوردن و توسعه‌ی این مظاهر فریبنده‌ی دنیا کند و با حرص سیری‌ناپذیری و بیمارگونه‌ی خود فقط به فکر (هرچه بیشتر بهتر) باشد و با این اقلام گذرا هم‌هویت شود و دل خود را آلوده به انبار کردن این اقلام فانی نماید، و با این عینک هم‌هویت‌شدگی به دیگران و دنیا نگاه و عمل کند، عمر ارزشمند خود را به‌خاطر هیچ به هدر خواهد داد. هدف از زندگی کوتاه ما رسیدن به این‌ها نیست. این‌ها قطره‌ای از دریای بی‌نهایتی است که اگر به آن دریا برسیم، به این قطرات هم خواهیم رسید. پس به دریای حضور زنده شو که دنیا هم قطره‌ای از دریای حضور است.

یا حق

شاد و پیروز باشید.

نظام غلامی از کرج